

مقایسه‌ی تکرار کلمات در شعر نو و غزل معاصر

مجموعه داده مربوط به اشعار نوی فارسی به صورت گزیده از ۵ شاعر نوسرا انتخاب شده است. اشعار سهراب سپهری، نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، حمید مصدق و نصرت رحمانی همگی از وبسایت شعر نو گرفته شده‌است. بعد از نرمال سازی و حذف برخی کلمات از جمله حروف اضافه، وردمپ داده‌ها به صورت زیر خواهد بود.

خاک
هنوز نیست کوه
مردم خود دل سر ما
عاشق رفته تن لب باید رفت است
تو درد شد جهان خلق جای باران
چشم دارد باز شده صبح تنها شهر گل
او چند دیگر پر روز افسانه مرغ چرا
کن یک اندر آمد آب من سوی لحظه دیدم غم
یکی پس خواب جا هیچ ره کرد یاد افتاب ست
پی خاموش کار با عشق بود همیشه کز اما
بودم دست روی باغ درون خون دور
کسی دم هست باغ درون همه باد
پای بس زندگی کرده سایه راه میان
نور نه خواهد رنگ رویش
مرا زمان

همچنین مجموعه داده‌ی مربوط به غزلیات معاصر از ۵ شاعر غزل سرای معاصر در نظر گرفته شده است. غزلیات مرحوم شهریار و ملک الشعرای بهار از وبسایت گنجور، تعدادی از غزلیات حسین منزوی و محمدعلی بهمنی از سایت شعر نو و حجم خوبی از غزلیات هوشنگ ابتهاج از وبلاگ اشعار شاعران دریافت شده‌است. نهایتاً بعد از نرمال سازی و حذف برخی کلمات وردمپ داده‌ها به شکل زیر خواهد بود.

دست ولی امشب
پیش شهریار باشد آتش خواهد
زلف اما امید همه نیست
کجا خوش پس دگر پر راه
روز هیچ آمد بهار دلم بار سر
خویش تن کس چشم باد خود شود
کرد یک کار کن به اشک او شد نشد باغ
دو بود دیده نو جز مرا خدا سایه نبود
ما غزل ازین صد باز کز دور پای
ماه یار جان عمر چمن درد
گفت یار داد شهریار خاک یاد لب
شب شمع نه دل یاروی
آمده لاله دوست که بیا کسی
جوانی عشق گل است
خون

بررسی ابتدایی نشان می‌دهد مجموعه کلمات پرتکرار در غزلیات فارسی، به کلمات کهن و کلاسیک نزدیک‌تر است. وجود کلماتی مانند "زلف"، "چمن"، "شمع" و یا فعل امر "گو" و یا مجموعه حروف "کز" همگی نشان از نزدیکی نسبی زبان غزل به فارسی کهن دارد. در مقابل میان کلمات اشعار نو کلمات جدیدتر، مستعمل‌تر و روان‌تر را می‌بینیم.

همچنین به لحاظ موضوعی، مجموعه کلمات پرتکرار در غزلیات نشان از تمایل آن‌ها به اشعار عاشقانه دارد. چنان‌که وجود کلمه "دل" و "عشق" به عنوان دو کلمه از چند کلمه‌ی بسیار پرتکرار و همچنین کلماتی چون "لب"، "درد"، "زلف"، "غم" (پرتکرارتر از اشعار نیمایی) و ... و فعل امر "بیا" همگی گواه وجود مفاهیم عاشقانه در غزلیات هستند. اما در مجموعه اشعار نو کلمات نشان از جهان‌بینی دیگری دارد. برای مثال تکرار کلماتی همچون "صبح"، "شب"، "خاک"، "خانه"، "خلق" و "مردم"، غلبه‌ی دیدگاهی اجتماعی و حتی سیاسی را در این نوع از شعر بیان می‌کند. و "عشق" در این‌جا جایگاهی کوچکتر و ضعیف‌تر دارد. (این نکته که شکل‌گیری شعر نیمایی مربوط به بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه بوده‌است، قابل ذکر است).

نکته‌ی جالب دیگر تقابل دو واژه‌ی "تو" و "من" در این دو دسته است. در مجموعه کلمات مربوط به شعر نیمایی، واژه‌ی "من" بیشتر تکرار شده‌ست و کلمه‌ی "تو" با اختلاف تکرار کمتری داشته است. اما در مجموعه کلمات غزلیات معاصر، واژه‌ی "تو" علی‌رغم تکرار زیاد واژه‌ی "من"، تکرار بیشتری دارد.

*در مرحله‌ی نرمال‌سازی و حذف کلمات بی‌معنا از جمله برخی حروف اضافه و... می‌توان کلمات بیشتری را تبدیل یا حذف نمود. اما از آنجا که در این بررسی، هدف تنها مقایسه‌ی مفهوم دو نوع شعری نبوده‌است و بررسی زبان و کلمات هم مورد نظر بوده است، از حذف ضمائر و افعال (و همچنین یکسان‌سازی افعال) صرف نظر شده‌است.